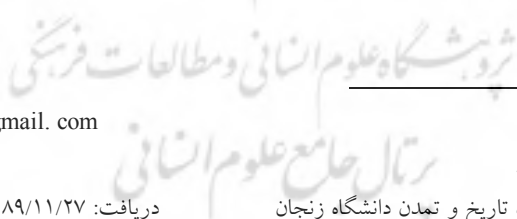


گونه‌شناسی قیام‌های خون‌خواه امام حسین علیه السلام؛ توابین و مختار

عباس احمدوند* / بهرام بهرامی** / سعادت غضنفری***

چکیده

قیام توابین و مختار، با هدف خونخواهی امام حسین علیه السلام انجام گرفت که رهبران آنها دیدگاه و روش‌های انقلابی متفاوتی داشتند؛ توابین بیشتر در پی جبران قصورشان در قبال قاتلان دشت طف بودند و معیارهای دشواری برای جذب نیرو داشتند. از این‌روی، تنها راه تحقق هدف خود را جان‌فشانی دانسته، قائل به اصالت و سیله، هم‌پایه هدف بودند. دیدگاه مذهبی توابین و راه تحقق هدفشان، در جامعه آن روز کوفه اقبال عام نیافت و نتوانستند هدف قیام را تحقق بخشند؛ در حالی که مختار با تکیه بر تدبیر، دوراندیشی و به‌کارگیری ابزارهای گوناگون، بر کوفه تسلط یافت و بسیاری از قاتلان دشت طف را مجازات کرد؛ هرچند او نیز در نهایت مغلوب زیریان شد و جنبشش داوم نیاورد. کلید واژه‌ها: اختلاف دیدگاه، روش‌های انقلابی شیعیان، تطبیق قیام‌ها، تدبیر، توابین و مختار.



a. ahmadwand@gmail.com

* استادیار دانشگاه زنجان.

** استادیار دانشگاه زنجان.

دریافت: ۸۹/۱۱/۲۷ - پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۸

*** کارشناس ارشد گروه تاریخ و تمدن دانشگاه زنجان

مقدمه

به گاه مرگ معاویه بن ابی سفیان و خودداری امام حسین علیه السلام از بیعت با یزید،^۱ کوفیان نغمه مخالفت، ساز کرده و با اجتماع در منزل سلیمان بن سرد خزاعی بر دعوت امام حسین علیه السلام به کوفه هم صدا شدند^۲ و طی نامه‌های بسیاری، آن حضرت را به کوفه دعوت کردند.^۳ امام علیه السلام نیز پس از تدبیر و تحقیق در باب گفتار کوفیان راه کوفه در پیش گرفت.^۴ با این حال، کوفیان نتوانسته یا نخواستند امام حسین علیه السلام را یاری دهند و آن حضرت پس از رسیدن به کربلا همراه با ۷۲ تن از یارانش در مبارزه با حکومت اموی به شهادت رسید.^۵ شهادت امام حسین علیه السلام، ورود کاروان اسرا به کوفه، خطبه‌های آتشین حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیهما السلام در کوفه، وجدان‌های خفته کوفیان را بیدار کرد، به گونه‌ای که از کرده خویش پشیمان شده و در صدد جبران برآمدند،^۶ از این رو گروهی از آنها در اندیشه خون‌خواهی امام حسین علیه السلام برآمده و قیام کردند. نخستین آنها توبه‌گذاران یا همان توابعین بودند.^۷ در پی آنها مختار بن ابوعبید ثقفی با این هدف اساسی قیام کرد.^۸ البته به رغم هدف مشترک و شیعه بودن سران دو قیام، با دیدگاه و روش‌های متفاوتی در پی تحقق هدفشان بودند.

در پژوهش حاضر برآنیم پس از تبیین دیدگاه و روش‌های انقلابی دو گروه، علل و عوامل عدم اتحاد و فرجام متفاوت دو قیام را دریابیم. این پژوهش اساساً در پی پاسخ به این مسئله اصلی است و آن را با نگاه جامعه‌شناسی تاریخی و بررسی تطبیقی در دو قیام هم عصر، مورد توجه قرار خواهد داد.

نگاه اجمالی به دو قیام

آن گونه که گذشت توابعین نخستین گروهی بودند که در اندیشه خون‌خواهی امام حسین علیه السلام برآمدند. آنها که از بی‌وفایی و پیمان‌شکنی خویش نادم بودند، در اندیشه توبه و تدارک آن برآمدند، از این رو در نخستین جلسه خود در سال ۶۱ق، «سلیمان بن سرد» را به رهبری برگزیده، زمان قیام را ربیع الاخر سال ۶۵ و وعده‌گاه خویش را نخيله قرار دادند. در پی آن، تحرکات پنهانی و مخفیانه‌ای داشته و خود را برای شورش و قیام آماده می‌کردند. آنها با مرگ یزید و سستی امور حکومت، قیام خود را آشکار کرده^۹ و پس از تدارک مقدمات قیام به منظور مقابله با سپاه شام و انتقام از عبیدالله ابن زیاد و دیگر عاملان حادثه کربلا عزم آن دیار کردند. هرچند سپاه شام در این زمان (به دلیل مرگ مروان بن حکم و اشتغال

عبدالملک بن مروان به امور جانشینی) با مشکل فرماندهی روبه‌رو بود، اما ابن‌زیاد، فرمانده کل سپاه اموی بر این مشکل فائق آمد و به‌رغم شجاعت فراوان گروه تواب در عین‌الوردی بر آنها غلبه یافته و جمله توابین در این نبرد به شهادت رسیدند.^{۱۰} تنها رفاعه بن شداد و هزار نفر از باقیمانده‌های توابین توانستند با استفاده از تاریکی شب گریخته و به کوفه باز گردند.^{۱۱}

پس از افول ستاره قیام توابین در عین‌الوردی، مختار بن ابی‌عبید ثقفی، دیگر خون‌خواه امام حسین (ع)، با گردآوری باقیمانده‌های گروه تواب^{۱۲} و کسب حمایت ابن‌حنیفه^{۱۳} و دیگر شیعیان، جنبشی دیگر بر ضد حکومت اموی سامان داد. مختار توفیق یافت بر کوفه تسلط یابد^{۱۴} و پس از تثبیت نسبی قدرتش، به قاتلان امام حسین (ع) پی‌رزداد و آنها را مجازات کند.^{۱۵} توفیقات اولیه مختار، مخالفان زیادی برای وی پدید آورد، به گونه‌ای که اشراف قبایل کوفی، امویان و مصعب بن‌زبیر^{۱۶} در صدد جنگ با او بر آمدند. خلاصه آنکه در دو نبرد «مذار» و «حرواء» نیروهای زبیری و اشراف قبایل کوفی و بصری بر مختار و همراهانش غلبه یافته و بر کوفه مسلط شدند.^{۱۷} بدین ترتیب، امارت مختار نیز چندان نپایید و همراه با بسیاری از یارانش جان خود را در راه احقاق حقوق اهل‌بیت (ع) فدا کردند.

مقایسه جایگاه و پایگاه سران دو قیام

با آنکه سلیمان بن‌صرد خزاعی، رهبر توابین، بزرگ طایفه خزاعه و از کبار و زهاد زمان خود بود و از هم‌نشینی امام علی (ع) و امام حسن (ع) بهره‌مند بود،^{۱۸} به نظر می‌رسد دیگر شخصیت‌های همراه او چون مسیب بن‌نجدیه فرازی، عبدالله بن‌وال تیمی، عبدالله بن‌سعد بن‌نفیل و رفاعه بن‌شداد بجدلی به‌رغم کبر سن، جایگاه و پایگاه والایی نداشته و در جریان واقعه کربلا و پس از آن بود که نام و نشانی یافتند.^{۱۹} در حالی که مختار، افزون بر آنکه نام و نشان پدر (ابوعبید بن مسعود ثقفی) را به یدک می‌کشید،^{۲۰} از سیزده سالگی مشق جنگ کرده و در امور آن زبده بود^{۲۱} و حتی تجربه اداره مدائن را در ایام حکومت امام علی (ع) داشت.^{۲۲} در جریان واقعه کربلا نیز با پناه‌دادن به مسلم بن‌عقیل^{۲۳} و پس از آن با دفاع از کعبه، نزد مردم عراق و حجاز، به ویژه شیعیان پایگاهی ویژه یافت.^{۲۴} همچنین سوای عشیره شهره‌اش (تقیف)^{۲۵} از حمایت افراد صاحب نفوذی چون عبدالله بن‌عمر بن‌خطاب بهره‌مند بود، به گونه‌ای که در چند موضع با وساطت او از بند ابن‌زیاد و زبیریان رهایی یافت.^{۲۶} دیگر همراهان مختار، به ویژه ابراهیم بن‌مالک اشتر نیز

عشیره و یاران پرشماری داشت که در کنار نام و نشان، وی را چهره‌ای صاحب نفوذ و مهم ساخته بود.^{۲۷} مختار نزد موالی کوفه هم پایگاهی درخور داشت و جمله آنها، به خصوص ابوعمره کیسان مرید او بوده و به تدبیر و کیاست او ایمان داشتند.^{۲۸}

اختلاف دیدگاه و روش انقلابی دو گروه

بهترین راه برای آگاهی از دیدگاه سران تواب و مختار در قیام بر ضد مسببان حادثه کربلا و عقاید و باورهایشان در خصوص چگونگی تحقق هدفشان، سخنان آنهاست. این سخنان به مثابه اعلامیه‌های تبلیغاتی دو گروه می‌تواند زوایای تاریک دو قیام را روشن سازد. جوهره اصلی سخنان توابعین از نخستین گردهمایی آنها به سال ۶۱ق تا هنگام حضور در عین الوردیه همواره، درباره مضامینی چون ملامت نفس، آخرت‌گرایی، بی‌توجهی به دنیا و امور دنیوی، احساس گناه و قصور در برابر قتله دشت طف و شهادت طلبی می‌چرخید.^{۲۹} نمونه آن، سخنان صحیربن‌حذیفه مزنی است. او در نخیله سخنان سلیمان را در باب بی‌اعتنایی به دنیا چنین تایید کرد:

... قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، در مصاحبت کسانی که قصد و نیت دنیا دارند خیری نیست. ای مردم! توبه از گناه و خون‌خواهی پسر دختر پیامبر، ما را به قیام واداشته، دینار و درهمی همراه نداریم، به طرف دم شمشیرها می‌رویم و نوک نیزه‌ها...^{۳۰}

بنابراین به نظر می‌رسد ویژگی‌های یاد شده برای سران توابعین، چون کبر سن و جایگاه معنوی آنها، رنگ و بوی مذهبی به فعالیت‌های آنها می‌داد و دغدغه اصلی آنها چگونگی رویارویی با پروردگارشان هنگام پرسش از آنچه در باب فرزند رسولش روا داشته بودند، از این رو فعالیت‌های آنها بیش از آنکه جنبه نظامی داشته باشد، رنگ و بوی مذهبی داشت. خفقان حاکم بر جامعه اموی معاصر آنها نیز عاملی شد تا تنها راه تحقق هدفشان را جان فشانی و شهادت طلبی دانسته^{۳۱} و معیارهای گزینش دشواری برای جذب نیرو داشته باشند. در حقیقت، براساس همین مبنا بود که آنها از پذیرش پیشنهادهای مکرر حاکم زبیری کوفه و درخواست اتحاد زفر بن‌حارث (به دلیل عدم مشروعیت سیاسی و مذهبی حاکمیت دو گروه، سابقه و کینه و عداوتشان با اهل بیت علیهم‌السلام) استنکاف ورزیدند.^{۳۲} افزون بر آن، رهبر قیام در مواضع مختلف متعمداً خط و مشی قیام را یاد آور می‌شد، تا کسی جز با نیتی که بر آنند همراهشان نشود. این روش در عین حال که بر خلوص لشکریان می‌افزود، شمار آنها را تقلیل می‌داد، چنان که در نخیله، بعد از اتمام سخنان سلیمان در باب بی‌اعتباری دنیا و

بی‌اعتنایی به آن، بالغ بر هزار نفر از یارانش او را ترک کردند. نمونه دیگر از این روش را هنگام حرکت گروهش از نخيله به سوی شام شاهدیم. رهبر قیام با حرکت شبانه و سریع نیروها از نخيله به سوی دیراعور، بسیاری از افراد همراه خویش را جای گذشت تا مبادا عدم خلوصشان باعث آشفته‌گی سپاه شود.^{۳۳} عدم دعوت و کسب تکلیف توابین از امام سجاد (ع) نیز می‌تواند معلول دیدگاه آنها و راه و روش قیام باشد، زیرا افزون بر آنکه دعوت از امام (ع) را پس از عهد شکنی‌های پی‌پی موجب اغرای به جهل و اتهام سفاهت می‌دانستند، با شهادت خویش در پی اثبات مودت و ارادت به اهل‌بیت (ع) بودند، از این رو به شهادت امام سجاد (ع) پس از حادثه کربلا خرسند نبودند.

در باب دعوت از محمدبن حنفیه نیز به نظر می‌رسد که توابین برای پذیرش بزرگ‌ترین پسر باقی مانده علی (ع) به عنوان حامی معنوی نهضت آمادگی نداشتند، زیرا او از اعقاب مستقیم پیامبر (ص)، از نسل فاطمه (ع) نبود. توابین بر ایده جانیشینی از طریق رابطه خونی با پیامبر (ص) معتقد بوده و تأکید داشتند، نه فرزندی علی (ع)، از این‌رو در سخنان آنها همواره بر رابطه حسین (ع) با پیامبر (ص) از طریق فاطمه (ع) تأکید می‌شد.^{۳۴}

اما مختار بر خلاف توابین قدرت سیاسی را راه تحقق هدف خویش و مقدم بر انتقام از قاتلان امام حسین (ع) می‌دانست و در این راه از تمامی ابزارها بهره برد. او در نخستین گام، حمایت محمدبن حنفیه را کسب نمود^{۳۵} و خود را چون منجی‌ای برای فراهم آوردن اسباب رضایت همه گروه‌ها معرفی می‌کرد، از این‌رو، بر خلاف گروه تواب که از بی‌اعتنایی به دنیا می‌گفتند، به هوادارانش مژده فتح، ظفر و سعادت دنیوی و اخروی می‌داد.^{۳۶} بر همین اساس، او با شعار خون‌خواهی امام حسین (ع) حمایت شیعیان را به دست آورد^{۳۷} و با نوید دادخواهی و عدالت‌گستری، بیش از بیست هزار موالی کوفی را با خود همراه کرد،^{۳۸} همچنان که با گفتارهای موزون نیز راه رخنه‌ای در دل اعراب، که دستی قوی در شعر و شاعری داشتند، یافت^{۳۹} و با اعطای پست‌های حساس آنان را نواخت.^{۴۰} افزون بر آن با بهره‌گیری معنوی از کرسی^{۴۱} قیام خویش را پاسخی به آرمان‌های اعراب جنوبی، به‌ویژه یمنیان که از نخستین هوادارانش بودند،^{۴۲} نشان داد، زیرا در دوران پیش از اسلام، صیانت از اماکن مقدس بر عهده طایفه‌های مشخصی از اعراب جنوبی و امتیازی به حساب بود.^{۴۳} علاوه بر آن، اعراب قبایل عربستان جنوبی همچون مختار که کرسی را پیشاپیش لشکریان حرکت می‌داد، به هنگام جنگ نشان قبیله‌ای را به زعم آنکه فتح و ظفر

می‌بخشاید، همراه خود می‌بردند. نمونه آن تمسک بنی بکر بن وائل به قبه عبدالله بن حنظله در روز ذوقار است.^{۴۴} از این روست که نخستین نگهبانان کرسی (موسی پسر ابوموسی اشعری و حوشب برسمی) و تکریم‌کنندگان آن از قبيله‌های شبام، نهند، خارف و شاکر که نسب یمنی داشته، بودند.^{۴۵} تأثیر این سیاست مختار بدان پایه بود که پیروزی ابراهیم بر سپاه شام مایه شگفتی گروهی شد و آن را نتیجه تمسک به کرسی پنداشتند.^{۴۶} افزون بر آن، مختار حتی با زیریانی که به دلیل سابقه‌شان در قیام تواین محل اعتماد واقع نشدند، همراه شد و پس از تسلط بر کوفه نیز هر چند به ظاهر و از روی خدعه از در اطاعت در آمد،^{۴۷} زیرا در آن شرایط که درگیری هم‌زمان با امویان و زیریان برای او دشوار بود، به چنین سیاستی برای بقای امارتش هم نیاز داشت.^{۴۸} با این زمینه‌ها می‌توان گفت که بر خلاف جنبش خودجوش و مذهبی تواین، جنبش سازمان‌یافته مختار از تمامی ابزارها برای تحقق هدف قیام بهره برد، در حالی که در دیدگاه سران تواین تنها راه تحقق هدف، جان فشانی و شهادت‌طلبی بود که، بدیهی است تنها شیعیان مؤمن و معتقد می‌توانند آن را تحقق بخشند. آنان با تکیه بر این باور، برای وسیله، اصالتی هم پایه هدف قائل بوده و جنبش‌شان عربی - شیعی محض بود.

تأثیر دیدگاه و روش دو قیام در فرجام آنها

غلبه احساس گروه ثواب بر تدبیر و دور اندیشی آنها باعث شد شتاب‌زده و پیش از فراهم آوردن مقدماتی جامع، به قیام پردازند. اثر این شتاب را در حضور کم رنگ شیعیان در نخیله و دیر رسیدن شیعیان بصره و مداین می‌بینیم.^{۴۹} خط مشی قیام که گروندگان به آن تنها در پی امور اخروی و گریزان از دنیا و متعلقات آن بودند، به همراه راه و روش تحقق هدف که همانا جان فشانی و شهادت‌طلبی بود، در جامعه آن روز کوفه اقبال عام نیافت، از این رو، از لحاظ کمی، قلیل و آسیب‌پذیر شدند،^{۵۰} زیرا در هر عصری بسیار نیستند کسانی که تنها برای اهداف معنوی و اخروی به جان فشانی پردازند. معیارهای گزینش دشوار تواین نیز باعث شد از همکاری و همراهی کسانی، چون زفر بن حارث و سنگر ساختن قلعه مستحکم قرقسیاء غافل شوند،^{۵۱} حتی بسیاری از همراهان آنها در پی چنین سخت‌گیری‌هایی گروه ثواب را ترک کردند.^{۵۲} به دیگر سخن، با چنین دیدگاه و راه و روش تحقق هدف، شمار آنان نمی‌توانست فراتر از چهار هزار و اندی که همراه سلیمان در

عین‌الورده حضور یافته، باشند. این تعداد قلیل هر چند در نیت و باور راسخ، در مقابل خیل عظیم نیروهای شامی آسیب‌پذیر بود و نتیجه آن فراتر از آنچه شد، نمی‌توانست باشد. اما مختار در عین حال که در اندیشه انتقام از مسببان حادثه کربلا بود، جمله گروه‌ها را بر ضد حکومت از محمدبن‌حنیفه و بنی‌هاشم گرفته تا موالی و امویان، زبیریان و اشراف کوفی، نواخت و با خود همراه کرد تا جنبشی سازمان دهد که ابزار تحقق هدفش باشد. مختار ضرورت قدرت سیاسی را برای تسهیل تحقق هدفش دریافته بود و باور داشت که این مهم بدون سیاس بودن و بهره‌گیری از تمامی امکانات و نیروهای تأثیرگذار در کوفه، میسر نخواهد شد. هر چند همراهی گروه‌های عقیدتی و سیاسی گوناگون با مختار به درازا نکشید و برخی، چون موالی، اشراف کوفی و زبیریان عامل سقوط امارتش شدند،^{۵۳} اما توفیق یافت بسیاری از قتله دشت طف را به بدترین شکل مجازات کند و شادی و دعای خیر اهل‌بیت (ع) را باعث شود.^{۵۴}

نتیجه

توابین و مختار با آنکه مذهب تشیع داشته و انتقام از مسببان حادثه کربلا را وجهه همت خویش ساخته بودند، اما دیدگاه متفاوتی به امور داشته و هر کدام راه و روش خاصی برای تحقق هدف خویش اختیار کردند؛ جنبش خودجوش و مذهبی توابین راه حل نظامی را باور نداشت و با کشتن یا کشته شدن در پی اثبات مودت خویش به اهل‌بیت (ع) و جبران قصورشان در حق امام حسین (ع) و یارانش بود. آنها باور داشتند برای خارج نشدن از مسیر متعالی نهضت، همکاری گروه‌های غیر شیعه و افراد خواهان دنیا را نباید پذیرفت، از این رو دیدگاه و راه‌حل آنها در جامعه معاصرشان اقبال عام نیافت و در برخورد با شمار کثیر لشکرین زیاد در عین‌الورده، شکست خورده و اکثر قریب به اتفاقشان به شهادت رسیدند. در مقابل، مختار باور داشت که جز با راه حل نظامی و فراهم آوردن گروه‌های عقیدتی و سیاسی تأثیرگذار در عراق نمی‌توان به هدف رسید، از این رو با فراهم آوردن مقدماتی جامع، حمایت معنوی ابن‌حنیفه را به دست آورده و با گرد هم آوردن گروه‌های مختلف، چون موالی، اشراف کوفی و بصری و شیعیان، کوفه را مقر قیام خویش ساخت و توفیق یافت بسیاری از قتله دشت طف را مجازات کند و باعث شادی و دعای خیر اهل‌بیت (ع) گردد.

۱. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۲۲۲-۲۲۴.
۲. دینوری، الاخبار الطوال، چاپ قاهره، ص ۱۷.
۳. ابن نما حلی، میثرا حزان، ص ۱۱؛ عیسی ریاض، الخریبة السیاسیة منذ قیام الاسلام حتی سقوط الدولة الامویة، ص ۱۷۶.
۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۵۴؛ ابراهیم بیضون، ملامح التیارات فی القرن الاول الهجری، ص ۱۸۶-۱۸۷.
۵. ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، ج ۲، ص ۸ و ۷؛ ابن اعثم، الفتوح، ج ۳، ص ۷۴-۷۳.
۶. محمدجواد صاحبی، مقتل الشمس، ص ۱۲۴.
۷. محمدبن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۴۲۶؛ ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ محمدجواد مغینه، الشیعه و الحاکمون، ص ۱۹؛ نجار فوزی، الاسلام و السیاسه، ص ۱۸۴-۱۸۵.
۸. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ص ۱۷۲-۱۷۳.
۹. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۹۲؛ ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ص ۱۷۵-۱۷۷؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۲۵۰-۲۵۱-۲۵۴؛ رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۵۱۰.
۱۰. محمدبن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ص ۴۴۹؛ بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۱۵؛ ابن اثیر، پیشین، ص ۱۷۴ به بعد؛ ابراهیم بیضون، من دولة عمر الی دولة عبدالملک، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ محمدسهیل طقوش، تاریخ حکومت امویان، ص ۷۱-۷۲.
۱۱. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۱۸۶.
۱۲. ابوعلی بلعمی، تاریخ نامه طبری، ج ۲، ص ۷۴۳؛ احمدبن علی مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۲، ص ۱۱۳؛ سیدعبدالعزیز سالم، تاریخ الدولة العربیة، ص ۶۵۲.
۱۳. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۱۸.
14. Hawting, "Mukhtar", in Encyclopedia of Islam.
۱۵. سیدجعفر شهیدی، قیام حسین علیه السلام، ص ۱۹۳؛ همو، پس از پنجاه سال، ص ۱۹۳-۱۹۴.
16. The Cambridge History of Islam, VI, p103 NEXT.
۱۷. محمدبن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ص ۵۶۱؛ ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ص ۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱.
۱۸. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۷۵؛ احمدبن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۷۵؛ نصرین مزاحم منقری، وقعة الصفین، ص ۵۱۹؛ عبدالرحمن بن علی بن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۲۸۳؛ خوئی، معجم الرجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۷۱.
۱۹. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰۱؛ احمد بادکوبه هزاره، «مدخل توابین»، دانشنامه جهان اسلام.
۲۰. ابوعبیده بن مسعود ثقفی، از فرماندهان به نام عرب بود که در نبرد «یوم الجسر» و در جنگ با ایرانیان کشته شد (ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۳۸؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۷۰).
۲۱. «در ایام خلیفه دوم همراه با پدر و عمویش سعدبن مسعود در نبرد با ایرانیان شرکت داشت»، مجلسی، بحارالانور، ج ۴۵، ص ۳۵۰.

۲۲. زرین کوب، دو قرن سکوت، (از حمله عرب تا ظهور طاهریان)، ص ۹۰.
۲۳. بلعمی، تاریخ‌نامه طبری، ص ۷۳۱.
۲۴. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۴۶.
۲۵. عمررضا کحاله، معجم قبایل العرب، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹.
۲۶. احمدبن محمدبن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص ۲۰۱؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۸۸-۴۸۹.
- ۴۴۲؛ احمدبن علی مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۲، ص ۱۱۸؛ ابن‌خلدون، تاریخ، ج ۲، ص ۴۴.
۲۷. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۳۹۳؛ طبری، پیشین، ص ۴۹۳ به بعد؛ مسکویه رازی، پیشین، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.
۲۸. دینوری، پیشین، چاپ ایران، ص ۳۳۰؛ حسن انوشه، «از اسلام تا سلاجقه»، تاریخ ایران کمبریج، ج ۴، ص ۳۷؛ دیکسون، بررسی سیاسی خلافت اموی، ص ۷۷.
۲۹. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۲۶؛ احمدبن علی مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۲، ص ۹۶؛ ابن‌اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۵۹ - ۱۶۰.
۳۰. طبری، پیشین، ص ۴۵۳.
۳۱. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۰۵.
۳۲. افزون بر آن عدم مشروعیت حاکم زبیری کوفه برای آن‌ها، دلیلی دیگر بر عدم پذیرش درخواست‌های آنها بود. لذا نمی‌خواستند در زیر لوای زبیریان بجنگند. (بلاذری، انساب الاشراف، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ص ۴۵۴-۴۵۵ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۱۶۶؛ مفید، الجمل . . . ، ص ۴۱۴ - ۴۱۵.
۳۳. طبری، پیشین، ص ۴۵۶؛ ابن‌اثیر جزری، پیشین، ص ۱۷۷.
34. Jafari, The origins and Early Development of Shi'a Islam, P158.
۳۵. ابن‌نماحلی، ذوب النضار فی شرح التار، ص ۹۶.
۳۶. بلاذری، انساب الاشراف، ص ۲۱۷؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ص ۴۴۸-۴۴۹.
۳۷. ابن‌اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ص ۲۱۸-۲۱۹.
۳۸. دینوری، الاخبار الطوال، چاپ ایران، ص ۳۳۰؛ عبدالحسین زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۳۵۷. برای اطلاع بیشتر از چگونگی وضعیت موالی در حکومت اعراب و دلایل پیوستنشان به مختار نک، خربوطلی، الاسلام و الخلافة، ص ۱۰۰ به بعد؛ ابوذر ورداسبی، ایران در پویه تاریخ، ص ۱۱۲؛ محمودرضا افتخارزاده، اسلام و ایران، ص ۱۱۸؛ امین ضحی‌الاسلام، ص ۴۳؛ تاریخ اسلام کمبریج، ص ۴۳۷.
۳۹. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ص ۴۵۰ - ۴۵۱.
۴۰. ابن‌اثیر جزری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۲۲۷-۲۳۲؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۲.
۴۱. طبری، پیشین، ص ۵۴۹ - ۵۵۰؛ احمدبن علی مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۲، ص ۱۶۰.
۴۲. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۵۵۰-۵۵۱.
43. Jafari, Ibid, P182
۴۴. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۰، ص ۱۳۶.

۴۵. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۵۵۰-۵۵۱.
۴۶. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۲۵۸ - ۲۵۹.
۴۷. طبری، پیشین، ص ۵۴۰-۵۴۱؛ احمد بن علی مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۲، ص ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶؛ سید، تاریخ الاسلام و المسلمین فی العصر الاموی، ص ۲۸۸.
۴۸. مسکویه رازی، پیشین، ص ۱۵۴ به بعد.
۴۹. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاريخ، ص ۱۸۶.
۵۰. مسکویه رازی، پیشین، ص ۱۸۶.
۵۱. سید عبدالعزیز سالم، تاریخ الدوله العربیه، ص ۶۵۱؛ ابراهیم بیضون، ملامح التيارات فی القرن الاول الهجری، ص ۱۹۹-۲۰۰.
۵۲. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاريخ، ص ۱۸۶.
۵۳. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ص ۹۷؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ اسلام، ص ۵۰؛ سید عبدالرزاق مقرر، تنزیه المختار، ص ۱۰؛
- Hawting, The first Dynasty of Islam, p 52, Ibid, "Mukhtar; Al-Semmari, A
۵۴. ابن عبدبریه، عقد الفرید، ج ۵، ص ۱۴۳؛ اردبیلی، جامع الرواة، ج ۲، ص ۲۲۰؛ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۰۴؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۹۴؛ سید جعفر شهیدی، زندگانی علی بن حسین علیه السلام، ص ۹۴.



منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالمکتبة الحیة، بی‌تا.
- ابن اثیر جزری، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالصادر، ۱۳۹۹ ق.
- ابن اعثم، ابومحمد احمد کوفی، *الفتوح*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *تذکره الخواص*، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ ق.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴ ش.
- ابن عبدبریه، احمد بن محمد، *عقد الفرید*، تصحیح احمد امین، ابراهیم الایاری و عبدالاسلام محمد هارون، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، *الامامه و السیاسة*، قاهره، مکتبه و مطبعة المصطفی، بابی حلبی، ۱۹۶۳ م.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر دمشقی، *البدایة و النهایة*، تحقیق احمد ابولمحم و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- ابن نماحلی، نجم الدین جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله، *میرالاحزان*، قم، تحقیق نشر مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۶ ق.
- ، *ذوب النصار فی شرح الفار*، تحقیق فارس حسون کریم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- اردبیلی، محمد بن علی، *جامع الرواة*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۳۰ ق.
- افتخارزاده، محمود رضا، *اسلام و ایران*، تهران، انتشارات رسالت قلم، ۱۳۷۷ ش.
- امین، احمد، *ضحی الاسلام*، ترجمه عباس خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۷۷ ش.
- بادکوبه هزاره، احمد، «مدخل توابع»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر دکتر حداد عادل، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- بغدادی، احمد بن علی ابوبکر خطیب، *تاریخ بغداد او مدینه الاسلام*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالنشر، ۱۴۰۰ ق.
- بلعمی، ابوعلی، *تاریخ نامه طبری* (گردانیده منسوب به بلعمی)، بخش چاپ نشده، به تصحیح و تحیشه محمد روشن، چاپ سوم، تهران، نشر دوم، ۱۳۶۸ ش.
- بیضون، ابراهیم، *ملاحح التیارات فی القرن الاول الهجری*، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۹۸۹ م.
- جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام*، قم، الهادی، ۱۳۷۸ ش.
- خلیفه بن خیاط، ابو عمرو بن ابی هبیره، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق اکرم ضیاء العمری، نجف، ۱۹۶۷ م.
- خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم الرجال الحدیث*، قم، مدینه العلم، ۱۴۰۹ ق.
- دیکسون، عبدالامیر عبد، *بررسی سیاسی خلافت اموی*، ترجمه گیتی شکری، تهران، طهوری، ۱۳۸۱ ش.
- دینوری، احمد بن داوود، *الاخبار الطول*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره، بی‌نا، ۱۹۶۰ م.
- ، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸ ش.
- ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ اسلام* (حوادث و وفیات ۶۱-۸۰)، بیروت، بی‌نا، ۱۴۱۰ ق.
- ریاض، عیسی، *الخربیه السیاسیه منذ قیام الاسلام حتی سقوط الدوله الامویه*، دمشق، بی‌نا، ۱۹۹۲ م.
- زرین کوب، عبدالحسین، *دو قرن سکوت* (از حمله عرب تا ظهور طاهریان)، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۴۴ ش.
- ، *تاریخ ایران بعد از اسلام*؛ تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.

- سالم، سید عبدالعزیز، *تاریخ الدولة العربية*، بیروت، دارالنهضة العربية، بی تا.
- سید، مجدی فتیحی، *تاریخ السلام و المسلمین فی العصر الاموی*، دارالصحابه للتراث طنطا، ۱۴۱۸ق.
- شهیدی، سیدجعفر، *قیام حسین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- ، *پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- ، *زندگانی علی بن حسین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- صاحبی، محمدجواد، *مقتل الشمس*، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، ابوجعفر، محمدبن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- طغوش، محمد سهیل، *تاریخ حکومت امویان*، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بی تا.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- ، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البيت، لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
- فوزی نجار، د. حسین، *الاسلام و السياسة*، بحث فی اصول النظرية السياسية و نظام الحكم فی الاسلام، قاهره، مطبوعات الشعب، ۱۹۷۷م، ۱۸۴-۱۸۵.
- کحاله، عمر رضا، *معجم قبائل العرب*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق.
- انوشه، حسن، «از اسلام تا سلاجقه» *تاریخ ایران کمبریج*، دانشگاه کمبریج، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
- مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، *تنقیح المقال*، نجف، ۱۳۴۹-۱۳۵۲ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳م.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق محمدمحیی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- مسکویه رازی، احمد بن علی، *تجارب الامم*، حقیقه و قدم له الدكتور ابوالقاسم امامی، تهران، دارالسروش، ۱۳۶۶.
- مغنیه، محمدجواد، *الشیعه و الحاکمون*، بیروت، مکتبه الهلال و دارالجواد، ۱۹۸۱م.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ ق.
- مقرم، سید عبدالرزاق موسوی، *تنزیة المختار*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۱ ق.
- منقری، نصر بن مزاحم، *وقعة الصقین*، تحقیق عبدالاسلام محمد هارون، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
- ورداسبی، ابوذر، *ایران در پویه تاریخ*، تهران، قم، ۱۳۵۷ ش.
- یعقوبی، احمد بن محمد بن واضح، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دارالصادر، بی تا.
- ، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
- Hawting. G. R, *The First Dynasty of Islam*, The Umayyad Caliphate AD 661-750, Second edition, London, 1896.
- Jafari, S.H.M, *The Origins and Early Development of Shi'a Islam*, American University of Beirut, 1976.
- The Cambridge History of Islam*, Edited by p. m. Holt, Ann.k. S. Lambton, Bernard Lewis, Cambridge University, 1970-1977.